

جایگاه ایران در معماری اوراسیایی چین و روسیه

به گزارش روابط عمومی و امور بین الملل منطقه آزاد چابهار به نقل از تسنیم، همگرایی منافع، کشورهای ایران، چین و روسیه را بیش از هر زمان دیگری به هم نزدیک کرده است. با بدتر شدن روابط با غرب، روسیه و چین به دنبال تغییر جریان های قدرت جهانی به روش هایی هستند که به نفع آنها باشد.

ادغام ایران در معماری اوراسیایی چین و روسیه به همان اندازه که برای روابط اقتصادی و امنیتی در سراسر اوراسیا اهمیت دارد، به همان اندازه پیچیده است. از آنجایی که پکن و مسکو همزمان با همکاری در چارچوب سازمان همکاری شانگهای به دنبال پیشبرد اهداف استراتژیک مربوطه خود هستند، ادغام ایران دارای پتانسیل تغییر موازنه استراتژیک بین این دو کشور است.

ایران مدت ها است به دلیل تحریم های مستمر اعمال شده بر آن و نگرش خصمانه ایالات متحده و دیگر کشورهای غربی مواجه بوده، اما با این حال، اخیراً در قالب آغاز عملیات در بندر چابهار، وارد یک "پوشش نقره ای" شده است.

این بندر که در جنوب شرقی ایران در دهانه دریای عمان قرار دارد، دارای موقعیت استراتژیک ایده آلی است که شبه قاره هند را با افغانستان و همچنین کشورهای آسیای مرکزی مانند قرقیزستان و ازبکستان متصل می کند. بندر چابهار کاهش قابل توجهی در هزینه و زمان حمل کالا و بار برای تجارت بین هند و افغانستان و همچنین برای تجارت بین شبه قاره هند و آسیای مرکزی ارائه می دهد.

به همین ترتیب، کریدور تجارت بین المللی شمال-جنوب مسیر حمل و نقل چند وجهی بسیار سریع تری را برای تجارت با اروپا ارائه می دهد. همچنین، این کریدور به ضرورت استراتژیک مسکو برای حفظ نفوذ خود بر حوزه قفقاز جنوبی و دریای خزر کمک می کند. افزایش سرعت تجارت برای محموله های بین اروپا و هند در مقایسه با مسیر سنتی در امتداد کانال سوئز می تواند بین 50 تا 100 درصد باشد.

از این رو، توسعه بندر چابهار به ایران این امکان را داده است تا از طریق ارتقاء این عملیات تجاری دریایی، به عنوان یک مرکز تجارت منطقه ای ظهور کند. اگر چابهار به تمام ظرفیت های خود برسد، نه تنها می تواند به دروازه تجارت هند با اروپا، روسیه و کشورهای CIS تبدیل شود، بلکه به یکی از مهم ترین بنادر در جهان تبدیل می شود.

موقعیت استراتژیک ایران در قلب حاشیه جنوبی اوراسیا نیز این کشور را به محور جغرافیایی در طرح یک کمربند - یک جاده چین تبدیل کرده است. ایران در تلاش برای ایجاد اجماع در مورد تعهدات بلندمدت به بندر چابهار به عنوان یک مرکز تجاری اصلی، زمان خود را از دست نداده است. بر همین اساس، در نشست اخیر هند و آسیای مرکزی، همه کشورهای شرکت کننده، بر لزوم تقویت روابط اقتصادی و دیپلماتیک توافق کردند.

در این راستا، ایران و هند متعهد شده اند به کشورهای آسیای مرکزی سهمی در بندر چابهار ارائه دهند و مناطق اختصاصی را برای عملیات تجاری خود در نظر بگیرند. به طور همزمان، توافقنامه ای برای ساده سازی فرآیندها و قوانین گمرکی برای اطمینان از جابجایی کارآمدتر و بدون مانع حاصل شده است.

هند و ایران به توافق بلندمدت برای عملیات در بندر استراتژیک چابهار نزدیک شده اند. این قرارداد بلندمدت با اعتبار 10 سال و به طور خودکار تمدید می شود و به منظور جایگزینی پیمان اولیه ای است که عملیات هند در پایانه شهید بهشتی بندر چابهار را پوشش می دهد و به صورت سالانه تمدید می شود.

این اقدام در زمانی صورت می‌گیرد که چین علاقه فزاینده‌ای به سرمایه‌گذاری در بنادر و سایر زیرساخت‌های ساحلی در ایران نشان می‌دهد و طرف ایرانی به دهلی نو فشار می‌آورد تا توسعه پایانه شهید بهشتی را که توسط دولت هند اداره می‌شود، افزایش دهد.

این توافق بلندمدت در جریان سفر ماه گذشته سارباناندا سونووال، وزیر کشتیرانی و آبراه به ایران، به ویژه در دیدار با رستم قاسمی وزیر راه و شهرسازی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. هند قرار است در ماه جاری (اکتبر) یک کارگروه مشترک در مورد چابهار با کشورهای آسیای مرکزی در جهت ارتقاء استفاده از بندر ترتیب دهد. همچنین اقداماتی برای ادغام این بندر با کریدور حمل و نقل بین المللی شمال - جنوب در حال انجام است.

ایجاد مسیرهای تجاری جدیدتر، با چابهار به عنوان قطب غالب، هم شکوفایی و هم اهرم دیپلماتیک را برای ایران در آسیای مرکزی به ارمغان خواهد آورد.

مقامات قرقیزستان اعلام کرده‌اند در صورت استفاده از بندر چابهار، مدت زمان ترانزیت کالا بین قرقیزستان و هند می‌تواند از زمان فعلی 30 تا 45 روز به تنها دو هفته کاهش یابد. این تغییرات قریب‌الوقوع نوید بسیار خوبی برای ایران می‌دهد، زیرا ایجاد مسیرهای تجاری جدیدتر، با چابهار به عنوان قطب غالب، هم شکوفایی و هم اهرم دیپلماتیک را برای ایران در آسیای مرکزی به ارمغان خواهد آورد.

بر همین اساس، ظهور چابهار بسیار اهمیت دارد چرا که در درجه اول مسیرهای تجاری را باز می‌کند که قبلاً غیرقابل دوام بوده اند. بخش بزرگی از این انسداد قبلی به دلیل تلاش‌های مزمین پاکستان برای آسیب رساندن به هند از طریق مسدود کردن راه‌های تجاری آن از طریق افغانستان بوده است. این امر از لحاظ تاریخی برای پاکستان ارزش‌آزاردهنده‌ای در برابر افغانستان ایجاد کرده است و هدف آن تقویت تجارت خود پاکستان با همسایه شمالی و همچنین اعطای اهرم دیپلماتیک گسترده به اسلام‌آباد بر کابل بوده است.

با این حال، این انسداد فرصتی را برای ایران فراهم کرده تا با ارائه راه‌حلی به افغانستان برای انسداد پاکستان، که مسیرهای تجاری این کشور را خفه کرده و توسعه اقتصاد نوپای آن را فلج می‌کرد، خود را به عنوان یک مرکز منطقه‌ای تجارت معرفی کند.

از نظر جغرافیایی، اگرچه بندر گوادر قابل دوام است، اما موقعیت آن مشکل‌ساز شده است. حتی از نظر مرکزی، پاکستان با کنار گذاشتن مردم از مزایای توسعه گوادر، مرتکب خطا شد. در نتیجه این اشتباهات، بندر گوادر هم از نظر مالی، هم به شکل بدهی‌های چینی و هم مسائل عملیاتی و هم از نظر عملکردی، بر پایه‌های ضعیفی استوار است.

این توالی وقایع به نفع ایران بوده است. در زمانی که تهران با تحریم و فشارهای مداوم مبارزه کرده، بندر چابهار به کشورمان این فرصت طلایی را اعطا کرده تا خود را به عنوان قطب تجارت منطقه‌ای معرفی کند و در رابطه با همسایه خود در آسیای میانه یعنی پاکستان و افغانستان برتری داشته باشد. این تحولات نوید دهنده دوران بهبود رقابت‌پذیری و دوام اقتصادی برای اقتصاد ایران و افزایش وزن منطقه‌ای باشد.

